معنایی برای «لولا آیة فی کتاب اللّه لاخبرکم...»

شاگرد: نسبت حدیث و آیه چیست که می‌گوید اگر این نبود «لاخبرتکم». یعنی حضرت علیه السلام می‌خواهند، بگویند اگر من خبر بدهم شما مخلوط می‌کنید؟!

استاد: ببینید لوح محو و اثبات خصوصیت مهمی دارد. تعبیری که طلبگی بود و عرض می‌کردیم، لوح اگر آن گاه‌ها است. الآن قضایای شرطیه به این صورت است. در این زمان خیلی حرف‌ها زده شده است که برای این بحث کمک می‌کند. می‌گویند عوالم موازی. ولی عوالم موازی‌ای که در هم تأثیری و تأثر دارند. الآن هم عوالم موازی در فیزیک می‌گویند این جور نیست که اینها از هم منعزل باشند و هیچ ربطی به هم نداشته باشند. خیر، با این آزمایش‌هایی که انجام می‌دهند این را گفته‌اند؛ گربه شرودینگر بود که می‌گفتند در اتاق بگذارند. عرض کردم حالتش ابهامی است که در اولین مکتب در فیزیک کوانتوم آوردند است. به آن مکتب کپنهاگ می‌گویند. آنها می‌گویند واقعاً مبهم است. مبنایشان این است. عده‌ای دیگر خواستند با عوالم موازی درستش کنند. خب، اگر این عوالم با هم مرتبط نباشند چطور می‌خواهند این را حل کنند؟! یعنی باید فرض بگیرند که این عوالم با هم مرتبط هستند. اینها را عرض کردم تا «اگر آن‌گاه‌ها» معلوم بشود. یعنی امام علیه‌السلام می‌توانند به زبان بیاورند. زبان، اخبار عن واقعة است. اما بعضی از وقایع هست که در هزارتا اگر و اگرها منطوی است. چیزی که در هزاران اگر و اگر منطوی است، چطور اخبار بشود؟! پس «لولا آیة اخبرتکم»، اما آن آیه دارد می‌گوید اگرها در کار است. خداوند با علم محیطی خودش این اگرها را به اندازه‌ای که می خواسته به اولیاء خودش داده است و لذا آن آخر کارش هم مانعی ندارد.

اخبار امیرالمؤمنین علیه‌السلام از قاتل خود

هر وقت یادم می‌آید، این را عرض می‌کنم. برای خودم جالب است. این ملعون اشقی الاولین و الآخرین: ابن‌ملجم را وقتی حضرت امیر علیه السلام می‌دیدند، یک چیزی می‌گفتند. شعر می‌خواندند؛ «ارید حیاته و یرید قتلی»[1]. اینها را شیعه نگفته است. شاید جمع‌آوری هم کرده‌ام. مفصل در کتب اهل‌سنت هست. چون همه می‌دیدند که این ملعون قاتل من است. آن وقت دو-سه تعبیر هست؛ به حضرت علیه السلام عرض می‌کردند؛خب یک دفعه ناراحت می‌شدند و می‌دانستند که حضرت بیجا حرف نمی‌زنند. دوستان حضرت علیه السلام که هیچ، دشمنانشان هم می‌دانستند. وقتی به معاویه خبر رسید که او بعد از من می‌ماند، مطمئن شد که حضرت علیه السلام بیجا نمی‌گویند. خیلی جالب است. معاویه مطمئن شد که علی علیه السلام گفته من می‌مانم. یعنی این قدر مطمئن بود که کلام حضرت ردخور ندارد. زدن حضرت علیه السلام خبر آوردند که معاویه کشته شد. حضرت ساکت بودند. باز دیگری آمد و گفت آقا یک حرفی بزنید. تمام شد و او مرد. همه خبرها دارد متواتر می‌شود. حضرت فرمودند: «و الذي نفسي بيده لن يهلك حتى تجتمع عليه هذه الأمة»[2]. خبر این کلام به گوش معاویه رسید. شاید هم حتی خودش این کار را کرده بود. آنها می‌دانستند؛ دوستان-

شان که هیچ، برای دوستانشان مثل آب خوردن بود و میدانستند چه خبر بود. دوستانشان میدانستند که حضرت علیه السلام بی جا نمیگویند. لذا آنها ناراحت میشدند. در یکی دارد که گفتند خب او را بکشید. نگذارید این ملعون بیاید و کار خودش را بکند. جواب معروفی که همه میگویید این بود که حضرت فرمودند من قصاص قبل از جنایت نمیکنم. این جواب حقوقی و ظاهری است. اما یک نقل دیگری در بحارالانوار دارد که پر است از مطلب. به حضرت علیه السلام عرض کردند او را بکشید، حضرت فرمودند: «فمن یقتلنی؟!»؛ پس کسی که من را میکشد چه میشود؟! یعنی اینجا که من میگویم از آنهایی است که امام مجتبی علیهاالسلام فرمودند این دفعه سمش ... . شما روی این عبارت فکر کنید. وعده الهی متخلف میشود یا نمیشود؟ خب، این یک جور وعیدی برای ابن ملجم است. خب شاید تخلف بشود! اما حضرت علیه السلام میفرمایند این از آنها نیست. «فمن یقتلنی؟!». یعنی الآن من دارم از صحنه میخ کوب شده وقوع یک حادثه به قضاء حتمی را میگویم. صرف یک اخباری نیست که بعداً بگویم نشد و بداء حاصل شد. در اینجا خیلی تفاوت هست. «فمن یقتلنی»؛ یعنی حضرت علیه السلام خبر دادند و خودم میدانم که شهید میشوم و قاتلم را هم میشناسم.

شاگرد: یعنی این موارد دیگر بداء نیست؟

استاد: در آنچه که گفتهاند، کلی آن هست. حتی برای علائم ظهور فرمودهاند در تمام علائم حتمیهای که اولیای خدا با چه تأکیدی گفتهاند، در یک روایتی حضرت فرمودند آنچه که در آن بداء نمیشود، اصل ظهور حضرت صاحب الامر عجل اللّه فرجه الشریف است. در بقیه آنها میتواند بشود. یعنی مربوط به کوتاهی ما میشود. اگر ما کوتاهی کنیم و آن دعای جدیای که باید بکنیم را انجام ندهیم، بلاهایی که از سفیانی و کذا میآید... . حضرت علیه السلام اشاره کردند؛ طوری است که رفتار و کار ما و دعای ما میتواند تأثیرگذار باشد تا درجه شدتهایی که پیش میآید تخفیف پیدا بکند. لذا مانعی ندارد.

و الحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 3، ص 1126.

[2]. علامه مجلسی،بحار الأنوار (بر أساس چاپ بيروت)، ج 41، ص 298 و مسعودي، مروج الذهب،ج 2،ص 418.

بازبینی #2
ایجاد شده 5 اکتبر 2025 14:41:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 اکتبر 2025 16:03:06 توسط ... .